

بی تفاوت

روایتنامه

۵۴

پردیس جدید چه شکلی است؟

۲ در انتظار جلسه شورای فرهنگی

کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه در آستانه رفع تعلیق

۳ تعمیر بهانه بود؟

گزارشی از تغییرات لابی دانشکده ریاضی

فرهنگ سوزی

در کارشان نیست. بعضی‌ها که اینقدر بی چشم‌داشت کار می‌کنند که حتی اگر کسی نظرشان را نپرسد هم نظر می‌دهند. پیشنهاد می‌شود برای این روز، تمام این افراد را در جایی جمع کنند. همه که آمدند، یک نفر بیاید پشت میکروفون و با همان صدای خفن اعلام کند: Fight! و همه شروع کنند بی وقفه نظر دادن در مورد همدیگر. آخر روز هم محل را جارو کرده و باقی مانده‌ها را با خاک انداز از آنجا جمع می‌کنیم.

حیف سرمقاله خیلی جان ندارد و گرنه ما تازه «بارش فکری» خود را شروع کرده بودیم. به عنوان کلام آخر، به نظر من اسمش را بگذارید: «روز فرهنگ خصوصی». اگر هرکس روی فرهنگ خودش کار کند، فرهنگ عمومی خود به خود درست می‌شود. گاهی هم به تقویم همین طوری یک نگاهی بکنید، نکات جالبی به چشم‌تان خواهد خورد.

به پیاده‌رو می‌آیند، تا وقتی گل را دریافت کردند شرمسار شوند و آنها هم دیگر نیابند. می‌ماند آن عده‌ای که همچنان کار خودشان را می‌کنند؛ خودشان و موتورشان را جیمز دین و ماشینش فرض کرده و با همان سرعت در پیاده‌روها می‌تازند. برای این دوستان سرنوشت همان جیمز دین را آرزو مندیم.

● روز نظر ندادن در مورد همه چیز: یک بنده خدایی یک زمان یک خطی کرد و گفت: «هنر نزد ایرانیان است و بس». خدایم داند از آن موقع چقدر پشیمانان کرده ایم و بعید نیست مرض قند گرفته باشد از وفور مصرف شکر. به هر حال این باور عمومی چنان در جان ما ریشه گرفته که امروزه در زمینه‌های مختلف، از میانی کوانتوم گرفته تا نحوه پاک کردن لکه قرمه سبزی از روی پارچه همگان حکیم و صاحب‌نظرند و «نمی‌دانم»

سه‌شنبه این هفته یعنی ۱۴ آبان ماه، اسم جالبی دارد: «روز فرهنگ عمومی». از شما چه پنهان، من یکی که اصلاً نمی‌دانستم چنین روزی هم داریم. با این همه فرهنگ‌سازی که شده و با توجه به اینکه ما ملت بسیار با فرهنگی بوده ایم و هستیم، وجود چنین روزی در تقویم چندان ضروری به نظر نمی‌رسد. پیشنهاد می‌شود مناسبت‌های زیر که با توجه به اولویت‌های جامعه بسیار مهم‌ترند، جایگزین شوند:

● روز نراندن موتورسیکلت در پیاده‌رو: پیشنهاد می‌شود در این روز فرخنده، پیاده‌های عزیز تعدادی گل تهیه کرده و به موتوری‌های عزیز در خیابان تقدیم کنند، صرفاً به خاطر اینکه در خیابان هستند و به پیاده‌رو نمی‌آیند. چندتایی هم نگه دارند برای موتوری‌هایی که



سحر بختیاری

سرمقاله

شنبه

به دنبال جاسوس

بسیج دانشجویی در ویژه برنامه جاسوس خانه از ساعت ۱۵:۳۰ در آمفی تئاتر مرکزی با حضور رحیم پور ازغدی به بازخوانی اسناد لانه جاسوسی آمریکا می پردازد.

نماد شریف

نمایشگاه دستاوردهای گروه ها و تشکل های دانشجویی از شنبه تا سه شنبه روبه روی ساختمان دانشکده مهندسی کامپیوتر برقرار است. اگر این گروه ها را هنوز به خوبی نشناخته اید و با فعالیت هایشان آشنا نیستید، این فرصت را غنیمت بشمرید. بچه های باوان یا همان شریف آشفال سابق هم در این نمایشگاه غرفه دارند و آماده دریافت کاغذهای باطله شما هستند؛ سری هم به آنها بزنید.

چای ورودی ها با استاد

انجمن علمی دانشکده صنایع برنامه چای با استاد را با حضور دکتر عشقی، دکتر رفیعی و دکتر خدمتی از ساعت ۱۲:۳۰ در سالن سمعی و بصری این دانشکده برگزار می کند.

فلسفه خوانی

حلقه مطالعاتی فلسفه فیزیک از ساعت ۱۲:۳۰ و حلقه مطالعاتی فلسفه احتمال از ساعت ۱۶ در گروه فلسفه علم برگزار می شود.

یکشنبه

سرمایه گذاری

در بازار سرمایه

سمینار بررسی قابلیت های سرمایه گذاری در بازار سرمایه با همکاری شرکت اطلاع رسانی و خدمات بورس و کارگزاری ساوآفرین از ساعت ۱۵ تا ۱۸ در سالن کهرای دانشکده مهندسی برق برگزار می شود. در این سمینار قرار است کد بورسی رایگان هم به شرکت کنندگان داده شود.

خودکفایی آموزشی

دکتر طیبه ماهرزاده، استاد دانشگاه الزهرا و همسر غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی که یکی از مهمانان برنامه زاویه شبکه ۴ درباره عدالت آموزشی بوده، با تأکید بر اینکه مخالف جدی مدارس غیرانتفاعی است، گفت: «مدرسه غیرانتفاعی تأسیس کردیم چون وقتی پسر به سن دبیرستان رسید و می خواست به رشته علوم انسانی برود، مدرسه مناسبی برایش وجود نداشت». برای شما عزیزی که اطلاع ندارید باید ذکر کنم که کلمه «مخالف جدی» در لغت به معنای «استفاده از آنچه با آن مخالفت شده بر

سخن

مسئولین

رضا علیپور

کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه در آستانه رفع تعلیق

در انتظار جلسه شورای فرهنگی

گزارش

انتخابات کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی دانشگاه اسفندماه گذشته برگزار و نمایندگان مدیران مسئول در این کمیته با رأی دانشجویها انتخاب شدند. اردیبهشت سال ۹۸ نیز قرار بود انتخابات شورای مرکزی ناظر بر نشریات دانشجویی در وزارت علوم برگزار شود. قبل از انتخابات، وزارت علوم لیست افراد دارای صلاحیت برای رأی دادن در این انتخابات را اعلام می کند که در کمال تعجب نام شریفی ها در آن دیده نمی شد.

وزارت علوم در جواب اعتراض شریفی ها می گوید انتخابات دانشگاه مشکل داشته و وزارت آن را تأیید نمی کند. اولین اشکالی که وزارت علوم به انتخابات کمیته ناظر بر نشریات شریف وارد شد، نبود عضو حقوق دان در کمیته ناظر بر نشریات و نیز هیئت نظارت بر انتخابات است. منتخبان دانشجویی کمیته ناظر این اشکال را به معاونت فرهنگی و اجتماعی اعلام می کنند ولی دانشگاه اهمتهامی به قضیه نشان نمی دهد. اشکال بعدی که از سوی وزارت علوم وارد می شود، نبود مدیر فرهنگی است. در واقع مصوبات کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی دانشگاه به دلیل حضور نداشتن عضو حقوق دان عملاً زیر سوال است و انتخابات این کمیته نیز با توجه به ناقص بودن ترکیب هیئت نظارت بر انتخابات مورد تأیید وزارت علوم نبوده است. هیئت نظارت بر انتخابات شامل یک عضو حقوق دان، مدیر فرهنگی و دو عضو دانشجو از میان فعالان نشریات دانشگاهی است که دو عضو اول در شریف وجود نداشته است.

البته وزارت علوم دلیل سومی نیز بابت رد کردن انتخابات کمیته ناظر دانشگاه اعلام می کند: نقص مستندات ارسالی از سوی دانشگاه، ولی دانشگاه زیر بار این حرف نمی رود. پیگیری های دانشجویی به نتیجه نمی رسد و با توجه به اینکه شکایتی نسبت به صحت انتخابات دانشگاه وجود نداشته و همه آن را قبول کرده اند، حتی یک شکایت و درخواست بررسی و تجدید نظر از طرف شورای مرکزی ناظر بر نشریات وزارت علوم فرستاده می شود اما نتیجه ای در پی ندارد.

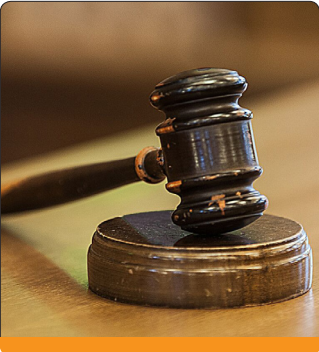
آنطور که نمایندگان دانشجویی کمیته ناظر می گویند، دانشگاه در این قضیه اهتمام خاصی نشان نداده و بیشتر پیگیری ها از طرف دانشجویها بوده است. حتی چندباری هم برای اضافه شدن عضو حقوق دان با رئیس دانشگاه صحبت می شود. دکتر حسینی نیز در جلسه با نمایندگان دانشجویی کمیته ناظر می گوید دانشگاه حقوق دان ندارد و اگر دانشجویها حقوق دانی



می شناسند، معرفی کنند تا قضیه فیصله پیدا کند. نمایندگان مدیران مسئول در کمیته ناظر نیز چند گزینه را به دانشگاه اعلام می کنند که یکی از آنها مورد تأیید قرار گرفته و قرار است حکمش از سوی رئیس دانشگاه زده شود. دکتر فتوحی از زمان اعلام وزارت علوم مبنی بر باطل بودن انتخابات دانشگاه، کمیته ناظر را تعلیق می کند و مصوبات مربوط به نشریات را به شورای فرهنگی ارجاع می دهد. البته شورای فرهنگی نیز حدود پنج ماهی است که تشکیل جلسه نداده است.

با انتصاب دکتر نورانی به سمت مدیریت فرهنگی و معرفی یک حقوق دان از سوی نمایندگان دانشجویی به رئیس دانشگاه به نظر می رسد موانع موجود بر سر تشکیل کمیته ناظر رفع شده و جلسه آتی شورای فرهنگی می تواند این ماجرا را ختم به خیر کند. البته دعوت نشدن نمایندگان مدیران مسئول در کمیته ناظر به این جلسه اعتراض فعالان نشریات دانشگاه را به دنبال داشته است.

ترین ها



«خیلی به عقب برمی گردیم»ترین

هفته گذشته از جمله موضوعات مهم مورد بحث در فضای مجازی تغییرات مربوط به آیین نامه انضباطی دانشجویان بود که اعتراض های زیادی را به دنبال داشت. برخی تغییرات این آیین نامه بنا به روایت فعالان دانشجویی در تضاد با حقوق و منافع دانشجویان است و صدور حکم های ناعادلانه را علیه آنان به دنبال خواهد داشت. به همین علت تصمیم گرفتیم عنوان «به عقب باز می گردیم»ترین را این هفته به این اصلاح عجیب و غریب نسبت دهیم و منتظر باشیم و ببینیم کسی هوای دانشجو را خواهد داشت و حواسش به او خواهد بود یا نه؟

آشنایی با روان شناسی

علی عباسی در سلسله جلسات آشنایی با روان شناسی نشریه «داد» این هفته از ساعت ۱۲ تا ۱۳ در اتاق درس پنج نیم طبقه ساختمان شهید رضایی درباره «آشنایی با نظریه پردازان بزرگ روان کاوی» صحبت می کند.

با ساز بیابید

از ساعت ۱۶ تا ۱۹ بچه های کانون موسیقی در آمفی تئاتر مرکزی دانشگاه منتظر شما هستند تا در فراخوان موسیقی شریف به آنها بپیوندید.

دوشنبه

پژوهش و فناوری از جنس مکانیک زنگ پژوهش و فناوری مکانیک این هفته به موضوع پمپ های حرارتی زمین گرمایی اختصاص دارد؛ ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۵ در سالن سمینار دانشکده مکانیک و با ارائه دکتر حکاکي فرد.

یک فنجان چای با استاد

دکتر جمشیدی مهمان این جلسه یک فنجان چای با استاد انجمن علمی کیمیاست؛ ساعت ۱۶:۳۰ در همکف دانشکده مهندسی شیمی و نفت.

باز هم چای؛ این بار با طعم فیزیک جلسه چای و فیزیک طبق روال همیشگی از ساعت ۱۷ تا ۱۸:۳۰ در اتاق شورا، واقع در طبقه پنجم دانشکده فیزیک برقرار است. خبرخوانی فیزیک هم از ساعت ۱۳ تا ۱۳:۳۰ کنار آونگ فوکو در طبقه سوم دانشکده فیزیک برگزار می شود.

سه شنبه

تاریخ سینما بخوانید

حلقه مطالعاتی مقدمه ای بر تاریخ سینما از ساعت ۱۲ تا ۱۳ در کلاس شماره ۱ ساختمان شهید رضایی جلسه اول خود را تجربه می کند.

گیربکس محور

انجمن علمی محور دومین جلسه گیربکس را این هفته با حضور دکتر بهزادی پور از ساعت ۱۶:۳۰ در دفتر این انجمن برگزار می کند.

«امید به آینده»ترین

پنج شنبه دو هفته پیش دکتر حسینی در توئیتر خبر انتصاب دکتر نورانی، استاد جوان دانشکده مکانیک به سمت مدیریت فرهنگی دانشگاه را منتشر کرد؛ جایگاهی که از زمان روی کار آمدن دکتر حسینی در معاونت فرهنگی و اجتماعی شخصی در آن حضور نداشت و امور معاونت با دو مشاور رتق وفتق می شد. انتصاب دکتر نورانی با توجه به سابقه او در دانشکده مکانیک و منش و رفتارش در برخورد با دانشجویها امید زیادی بین فعالان فرهنگی ایجاد کرد و به همین دلیل عنوان «امید به آینده»ترین را به این انتصاب اعطا می کنیم.

انتقام سخت (۴)

عوامل محرک و پویایی زیدیه در طول تاریخ

زیدیه دارای مجموعه‌ای از محرک‌هاست. قیام‌های زیدی از نظر مکانی یک حرکت کوبنده، دارای پویایی قوی و فراگیر و قابل انتشار در جامعه است. از لحاظ هویت زمانی هم زیدیه حرکتی پیوسته و تاریخی دارد که متوقف ساختنش ممکن نیست. آنان در پی تحولی تاریخی هستند؛ تحولی که ساختارهای جغرافیایی و فرهنگی جهان اسلام را درنوردد. زیدیه موجی خروشان و کوبنده است و ایستادن در برابرش مخاطره آمیز. از دیگر محرک‌های زیدیه نوسازی محتوایی است که می‌تواند خود را با شرایط جدید منطبق سازد و بر اساس رویکرد جدید در حوزه اندیشه و عمل پویایی اش را حفظ کند. در واقع محرک اصلی زیدیه تحول بنیادین است که در اصل و ذات خود، بریدن و گسستن در تمام سطوح را به اجرا می‌گذارد. گسستن سیاسی از مشروعیت سنتی متکی بر اطاعت حاکم به سوی مشروعیت نوین متکی بر اندیشه زیدی و پوپا. گسستن فکری بین اندیشه‌های کهن و سنتی خویش به سوی عقل جدید. زیدیه قابلیت ایجاد تحولی شگرف را برای عقلانی کردن کامل و پیوسته تمام سطوح زندگی، رفتار، فرهنگ و اندیشه فرد و جامعه دارد. در واقع امامت زیدیه به عنوان تابعی از امر به معروف و نهی از منکر مطرح است. از همین روززیدیه در امامت بیش از آنکه با امامیه و دیگر فرق شیعی نظیر اسماعیلیه نزدیکی فکری داشته باشد، به اهل سنت نزدیک است، چراکه نظریه امامت نزد آنان بیش از آنکه يك ضرورت دینی و داخل در منظومه کلامی باشد، يك ضرورت اجتماعی و سیاسی در امت اسلامی است. همان‌گونه که هدف و مقصد اصلی امامت در نظر اهل سنت، امر به معروف و نهی از منکر است و تکالیف و وظایف امام در همین چارچوب معنا می‌یابد: حفظ و حراست از دین و اجرای آن و تدبیر دنیای مسلمانان. زیدیه بر «اصل شورا» بسیار تأکید دارد. با اینکه آنان به «حق» در امامت نیز باور داشتند، یعنی معتقد بودند که این حق برای اهل بیت(ع) است و کسانی که از نسل حضرت فاطمه(ع) باشند، صاحب «حق» امامت هستند ولی بر خلاف امامیه به «انتخاب» و نه «نص» معتقد بودند و از این رو، در باور ایشان امام شخصی از اهل بیت نبود که از پیش تعیین شده او را پذیرا شوند، بلکه پذیرش امت در تعیین امام نقش اساسی داشت.



اینکه نظر شخصی اعضای آن؟ آیا شورای صنفی وظیفه پیگیری خواسته دانشجویان را دارد یا تصمیم‌گیری برای نیازهای دانشکده؟ حداقل کاری که شورای صنفی در این زمینه می‌توانست انجام دهد، انجام یک نظرسنجی در کانال تلگرامی شورا بود تا نظر دانشجویان دانشکده به دست آید. این در حالی است که تنها واکنش شورای صنفی به این مسأله در کانالش بیش از یک‌ماه بعد از به‌وجود آمدن آن و در پی اعتراضات بسیار دانشجویان بود. در پیامی که در کانال شورا گذاشته شده، اعلام می‌شود شورای صنفی پیگیر کمبود صندلی از دانشکده است و تعدادی میز و صندلی از انبار دانشکده به لابی اضافه شده است. طبق مشاهده ۴ صندلی و ۳ میز به لابی اضافه شده است. لازم‌به ذکر است که مشکل اصلی صندلی است و نه میز، و طبیعتاً اضافه شدن ۴ صندلی دردی را درمان نمی‌کند. شورای صنفی دانشکده علوم ریاضی نهادی است که باید مطالبه‌گر خواسته‌های دانشجویان در برابر مسئولان این دانشکده باشد. به‌طور خاص در این موضوع شورای صنفی به جای پیگیری مطالبات دانشجویها، تنها از دانشکده خواهان افزایش صندلی است. این برخورد شورای صنفی پایین‌بودن سطح مطالبه‌گری اعضا را نشان می‌دهد. با این وضعیت دانشکده در هر زمینه‌ای می‌تواند به‌راحتی هر تصمیمی بگیرد، بدون آنکه نگران باشد شورای صنفی مطالبه‌گری کند. حتی یکی از اعضای شورای صنفی می‌گوید هیچ دلیل منطقی‌ای وجود ندارد که دانشجویان به تصمیماتی که شورای دانشکده می‌گیرد اعتراض کنند! همچنین مسئول تأسیسات این شورا نیز قبول ندارد مسأله کمبود جا در لابی از اولویت بالایی برای شورای صنفی برخوردار است.

وجود دارد که دانشکده با مبل‌های برده‌شده چه کرده است؟ با فروش آن مبل‌ها پول قابل توجهی به حساب دانشکده واریز می‌شود که بسیار بیشتر از بودجه لازم برای تهیه تعدادی صندلی است.

قوز بالای قوز

موضوعی که گاهی مشکل کمبود جا در لابی دانشکده را بیشتر پررنگ می‌کند، برگزاری کلاس‌های متعدد در لابی و سایت دانشکده است. از جمله این کلاس‌ها حل تمرین برنامه‌نویسی است؛ کلاسی که در سایت برگزار می‌شود و هنگام برگزاری آن سایر دانشجویان را از سایت دانشکده بیرون می‌کنند. همچنین برخی استادان حل تمرین دروس‌شان را به لابی منتقل می‌کنند. هر چند اصل موضوع برگزاری این کلاس‌ها در لابی و سایت کار پسندیده‌ای است اما در شرایط فعلی منطقی به نظر نمی‌رسد.

همچنین این سوال وجود دارد که چرا در کلاس‌های دانشکده فقط برای برگزاری کلاس‌ها باز می‌شود و در ساعت‌های دیگر همیشه بسته است. در حالی که می‌بینیم در بیشتر دانشکده‌ها یا در کلاس‌ها باز است یا جایگزین‌های دیگری وجود دارد که دانشجویان می‌توانند برای مطالعه انفرادی یا گروهی از آنها استفاده کنند.

مطالبه خواسته دانشجویها یا حمایت از تصمیم مسئولان

نکته جالب توجه آن است که شورای صنفی موافق رفتن مبل‌هاست و تنها دغدغه این شورا کمبود صندلی در دانشکده است. سوال این است که آیا این جبهه‌گیری شورا همسو با خواسته اکثریت دانشجویهای دانشکده است یا

گزارشی از تغییرات لابی دانشکده ریاضی

تعمیر بهانه بود؟

اگر در چند وقت اخیر به دانشکده علوم ریاضی سر زده باشید، متوجه تغییری در لابی این دانشکده شده‌اید. لابی دانشکده علوم ریاضی بعد از گسترش این دانشکده در سال ۹۳ به تعداد زیادی مبل و صندلی مجهز شد اما از ابتدای ترم جاری همه مبل‌های لابی این دانشکده جمع شده‌اند. در ابتدا که ما چرا را از شورای صنفی دانشکده پیگیر شدیم، گفتند دانشکده مبل‌ها را برای تعمیر فرستاده اما چند روز بعد شورای صنفی اعلام کرد دانشکده تصمیم گرفته به علت مشکلات فرهنگی مبل‌ها را بازنگرداند. در این مدت بارها پیگیر این مشکل از شورای صنفی و حتی معاون دانشجویی دانشکده شدیم که همگی اعلام کردند موافق برده‌شدن مبل‌ها هستند. معاون دانشجویی گفت مشکل را به دانشکده منتقل می‌کند و شورای صنفی نیز گفته مشکل کمبود صندلی را چندین بار به دانشکده منتقل کرده و دانشکده در پاسخ گفته قصد دارد تعدادی صندلی به لابی اضافه کند اما پول این کار را ندارد. در این گزارش قصد دارم به تعدادی نکته تأمل‌انگیز درباره این موضوع اشاره کنم.

صدافت از دست رفته و سوال‌های بی جواب

در ابتدا این سوال مطرح است که آیا واقعاً دانشکده ابتدا تصمیم گرفته مبل‌ها را برای تعمیر بفرستد و بعد از برده‌شدن مبل‌ها تصمیم گرفته آنها را بازنگرداند؟ یا اینکه از اول هدف مشخص بوده و صرفاً دانشکده صادق نبوده است؟ موضوع دیگری که پاسخ به این سوال را مبهم‌تر می‌کند، گزارش روزنامه در تاریخ ۲۱ مهر، بیش از دو هفته بعد از اعلام بازنگشتن مبل‌ها به شورای صنفی است که در آن به روزنامه اعلام شده مبل‌ها برای تعمیر فرستاده شده‌اند و بازگشتن آنها مبتنی بر تصمیم رئیس دانشکده است!

سوال دیگر این است که چرا دانشکده قبل از تأمین جایگزین اقدام به جمع کردن مبل‌ها کرده است؟ به‌وضوح بردن مبل‌هایی که جای نشستن حداقل ۲۰ نفر بوده‌اند، دانشکده را با مشکل جابجایی روبه‌رو می‌کرد. همان‌طور که این اتفاق رخ داده و مدت‌هاست در لابی دانشکده جای کافی برای نشستن دانشجویها نیست. این مشکل در زمان بسته‌شدن (یا برگزاری کلاس) در سایت و کتاب‌خانه بیشتر نمایان می‌شود. سایت دانشکده ساعت ۱۸ و کتاب‌خانه نیز ساعت ۱۸:۳۰ تعطیل می‌شود. با این وجود چرا دانشکده حاضر نیست برای رفع این مشکل مبل‌های لابی را بازگرداند؟

در نهایت هم اینکه چرا دانشکده در شرایطی که به گفته خودش توان مالی تهیه حتی چند صندلی ساده را ندارد، تصمیم می‌گیرد مبل‌های لابی را ببرد. اصلاً این سوال

ذره‌بین

فرض کنید در رشته ورزشی خاصی تمایل دارید در تیم دانشکده حضور داشته باشید و به رقابت بپردازید. شروع به پرس‌وجو میان هم‌دانشکده‌ای‌های می‌کنید و اگر خوش‌شانس باشید، شخصی را پیدا می‌کنید که آن سال، مسئولیت جمع‌آوری تیم دانشکده و معرفی آن به تربیت‌بدنی را برعهده گرفته است. مرحله بعدی نیز اعلام لیست ورزشکاران به معاونت دانشجویی و تأیید ایشان، جهت رسمیت‌بخشیدن به تیم‌های ورزشی دانشکده است.

همان‌طور که مشاهده کردید، این روند مغایر با دیوان‌سالاری است و هرکسی، چه مقبولیت عام داشته باشد و چه نداشته باشد، می‌تواند متولی این امر باشد و حتی در روندی نه‌چندان شایسته‌سالارانه و بدون گزینش اقدام به پرکردن لیست کند! موارد فوق در حالی است که طبق منشور حقوق دانشجویی، دانشجویان حق دارند

گزارش

نیم افشار

سید محمدحسین قاسمی

ورزش؛ اولویت چندم مسئولان دانشگاه؟!‌

در دانشکده‌ها و خوابگاه‌ها انجمن‌های ورزشی داشته باشند؛ یعنی یک گروه دانشجویی مستقل که دارای تشکیلات مخصوص به خود است. یکی از وظایف این انجمن سازمان‌دهی مورد فوق است. البته اهداف آن فقط در همین قضیه خلاصه نمی‌شود. تعمیم و گسترش ورزش در خوابگاه‌ها و دانشکده‌ها را می‌توان از مهم‌ترین این هدف‌ها برشمرد. در دانشگاه ما انجمن‌های ورزشی یک کارکرد برجسته و متمایز نیز دارند و آن هم ترمیم شکاف میان بدنه دانشگاه و تربیت بدنی‌ست. بسیاری از دانشجویان از برنامه‌های متنوع تربیت‌بدنی بی‌خبرند و استقرار ساختمان آن، خارج از محدوده اصلی شریف مزید بر علت است.

پس از مطالعه منشور حقوق دانشجویی و پی‌بردن به این ماده، ما، بچه‌های نشریه «حرکت» منتظر فرصتی بودیم تا آن را تحقق بخشیم. اندکی صبر کردیم تا نشریه در

تجربه این چند ماه

از روزی که بچه‌ها خبردار شدند قرار است دوباره پردیس دانشگاه راه بیفتد، بحث‌های مختلفی بین ما شکل گرفت. نظرها مختلف بود، پردیس موافق‌ها و مخالف‌های خودش را داشته و دارد. بعضی تحلیل‌هایی داشتند و مثلاً می‌گفتند اگر فلان اتفاق‌ها بیفتد و بهمان اتفاق‌ها نیفتد، این تصمیم خوب یا بد است. حرف من یک قدم عقب‌تر از این نظرات است. ما در این مدت در اینجا مشکل داشتیم که حتی یک مسئول و یا منبع موثق حاضر نشد ایده کلی این طرح به همراه همه انگیزه‌ها و مشکلات و در قدم بعد نحوه اجرای آن را توضیح دهد (یا حداقل ما باخبر نشده ایم). این ادعا وجود داشت که این طرح به اصطلاح بلندمدت می‌تواند مشکلاتی را حل کند اما در عمل مسئولان حتی نسبت به اینکه ترم اول دانشجویان پردیس به چه شکل خواهد گذشت، اتفاق نظر نداشتند. یکی از مسئولان نظر می‌داد کلاس‌ها مشترک است و دیگری از جدا بودن کلاس‌ها خبر می‌داد. حتی نسبت به مسائل حاشیه‌ای مانند خوابگاه و غذا یا شرکت در مراسم‌هایی مانند اردوی ورودی طرحی وجود نداشت و اگر هم وجود داشت هیچ شفافیتی دیده نمی‌شد. در این شرایط انتظار حل هیچ مشکلی نمی‌رود. وقتی یک برنامه مشترک و شفاف برای ترم اول بچه‌ها وجود ندارد، انتظار راه حل پنج‌ساله مضحک است. به علاوه اینکه چنین شرایطی برای دانشگاه ما که در ساختار آن بسیاری از دانشجویان در جایگاه‌های مختلف مشغول کارند و در حال کمک به این ساختار، مضرت‌تر نیز هست. برای مثال در آموزش دانشجویان سال بالایی در جایگاه تدریس یار در سال‌های اول کمک بسیاری از لحاظ علمی به ورودی‌ها می‌کنند و در جریان اصلی درس موثرند. این ناهماهنگی و نبود شفافیت در این همکاری هم باعث ایجاد خلل خواهد شد. همچنین باتوجه به اینکه امثال این مسأله از مسائل مهم دانشگاه و فضای دانشجویی است، از مسئولان این موضوع انتظار می‌رفت تعامل بهتری بایندنه دانشجویی دانشگاه انجام دهند. برای مثال توضیح کامل و شفاف این طرح از حداقل کارهای مفیدی بود که به این امر کمک می‌کرد. حتی شاید در قدم‌های بعد کارهایی مانند مشورت با نمایندگان صنفی دانشجویان بتواند به پیشبرد امثال این طرح‌ها کمک کند. در واقع می‌توان گفت در قدم قبل از موافقت یا مخالفت با پردیس این رویکردها است که سنگ راه است، امید که اصلاح شود.

بادداشت

علی اکبر غیوری

گزارشی از میزگرد روزنامه با موضوع عدالت آموزشی و پردیس

نگران برای تن رنجور دانشگاه



نتایج اولیه کنکور کارشناسی ۹۸ که از سوی سازمان سنجش اعلام شد، نگاهی گذرا به رتبه‌های برتر کنکور و مدارسی که این رتبه‌های برتر از آن آمده‌اند، کافی بود تا دوباره بحث عدالت آموزشی نقل محافل دانشجویی شود. راه افتادن دوباره پردیس خودگردان شریف در تهران و پذیرش دانشجو از سوی آن هم بر شعله این بحث به خوبی دمید تا چند روزی فعالان توییتری را حساسی به خود مشغول کند و آموزش پولی و وجود پردیس‌های خودگردان را زیر تیغ نقد ببرد. آن زمان تصمیم گرفتیم میزگردی دانشجویی در روزنامه برگزار کنیم و حرف‌های مختلف را بشنویم که گزارش آن در ادامه آمده است. برای کامل‌تر شدن بحث نیز گفت‌وگویی با دکتر اجتهادی، رئیس جدید پردیس خودگردان دانشگاه در تهران انجام دادیم و حرف‌های بچه‌ها را گفتیم و پاسخ‌های دکتر را شنیدیم. اعضای جلسه افراد مختلفی بودند؛ از بچه‌های شورای صنفی و فعالان دانشگاه تا فارغ التحصیلانی که حالا در رشته‌های انسانی مانند جامعه‌شناسی و علوم سیاسی ادامه تحصیل می‌دهند، در جلسه حضور داشتند. هدف این نوشته صرفاً ذکر بدون قضاوت و به شکل موردی چند بعد مختلف این موضوع است. در ادامه کوشیده‌ام خلاصه‌ای از بحث‌های اصلی این جلسه یادداشت کنم و سعی در همگرایی آنها انجام دهم. موضوعی که با آن روبه‌رو بودیم، چند لایه مختلف داشت؛ عدالت آموزشی یک موضوع کلی بود که در آن آموزش پولی مطرح است و در لایه بعد با پردیس دانشگاه شریف مواجه می‌شویم. بچه‌ها در جلسه ترجیح دادند بحث را از آموزش پولی شروع کنند که موضوعی میانی است.

بحث فراتر از آموزش پولی است

صحبت با محمد جوانمرد و مطرح کردن این موضوع که مسأله پولی‌شدن آموزش یک مسأله جدا افتاده از دیگر نهاد‌های اجتماعی نیست، شروع شد. بحثی که شکل می‌گیرد از این جنس است که باید کلیت این تصویر را در یک پازل دید و به اینکه موتور محرک این مسأله چیست و به چه سمتی می‌رود، دقت نمود. جوانمرد معتقد است پولی‌سازی دانشگاه یک شاخه از پروژه نئولیبرالیسم در آمریکا با هدف کاهش خدمات اجتماعی و مقررات‌زدایی از نیروی کار است که این پروژه با رشد قدرت سرمایه‌داری و کم‌شدن مالیات‌ها و خدمات اجتماعی انجام شد.

درس خواندن از جیب همه مردم

در مقابل یک دید دیگر راجع به مسأله این بود که آموزش به‌عنوان یک عرضه و تقاضا در جامعه مطرح است. آموزش پولی به معنای این است که خریدار خود پول آموزش را باید پرداخت کند که در غیر این صورت این تأمین مالی به عهده دولت و در نتیجه همه جامعه است. در این دید سوال بعدی که مطرح می‌شود این است که آیا آموزش عالی کالای اساسی قلمداد می‌شود که از سوی دولت

تأمین شود یا خیر. این دید مقدمه چند بحث جدی در ادامه جلسه شد.

آموزش پولی یعنی اختلاف بیشتر

در ادامه مسأله خصوصی‌سازی مطرح شد. موضوع اولیه این بود که خصوصی‌سازی راه حل رشد دانشگاه حتی در کارآمدی آن نیست که اگر بود در دانشگاه آزاد جواب می‌داد. همچنین دانشگاه با اینکه یک نهاد دولتی نیست، یک نهاد عمومی می‌تواند باشد و لزومی به خصوصی‌سازی آن نیست. در خلال بحث‌ها نیز چند نگرانی اجتماعی از آموزش پولی مطرح شد که عمده آنها ایجاد اختلاف طبقاتی بیشتر در جامعه و بازتولید با قدرت‌تر نظم طبقاتی جامعه و از بین بردن آموزش به عنوان یک راهکار تغییر طبقه اجتماعی برای افراد آن بود.

آمریکا، آلمان یا همان نظامیه‌های خودمان

در دور دوم صحبت بچه‌ها ابتدا چند سیستم آموزشی در جهان تحلیل شد که یکی از آنها آمریکا بود. نکته‌ای که در این نظام باز هم یادآوری شد، همان رشد نابرابری اجتماعی با وجود رشد تولید ناخالص داخلی است. افزایش درآمد در اقشار پایین به وجود نمی‌آید و هم‌زمان هزینه‌های زندگی افزایش پیدا می‌کند. سرمایه باعث تولید سرمایه می‌شود و ساختار طبقاتی جامعه قدرتمندتر بازتولید خواهد شد. سیستم آموزشی بعدی سیستم آلمان بود که حدود ۹۰ درصد بودجه آموزشی از سوی دولت تأمین می‌شود که به‌عنوان یک کشور توسعه‌یافته دارای آموزش تقریباً رایگان شناخته شده است. همچنین یک فرق عمده

بین آموزش آمریکا و آلمان تفاوت در دورویکرد سیالیت و تخصص‌گرایی است که آمریکا به اولی و آلمان به دومی نزدیک‌تر است. در کنار این سیستم‌ها در یک نگاه تاریخی به سیستم آموزش نظامیه‌ها اشاره شد که دارای راه حل سومی بودند، به این شکل که درآمد از طریق وقف‌نامه‌ها به دست می‌آمد و دولت نیز برای شغل‌هایی که به شکل مستقیم در خدمت دولت بود، آموزش رایگان قرار می‌داد.

منطق بازار چه بلایی بر سر نهاد علم می‌آورد؟

دو موضوع خصوصی‌سازی و آموزش به‌عنوان عرضه و تقاضا چند نگرانی را بر می‌انگیزد که از اصلی‌ترین آنها می‌توان به عدم توجه به ساحت علمی دانشگاه اشاره کرد. سیستم به‌صورت طبیعی به هر سمتی که پول به آن تزریق شود، توجه بیشتری خواهد داشت و آن قسمت رشد خواهد کرد. اگر در نهاد علم که همواره به‌عنوان یک محور پیشرو و بعضاً انتقادی در جامعه موجود بوده، نظام ارزشی بازار حاکم شود و به اصطلاح علم بازاری شود، مواردی مانند استعداد انسان یا حتی بعضی از قسمت‌های علم نادیده گرفته می‌شود و صرفاً سودآوری مطرح می‌گردد. در این سیستم خطر جدی افت بیش از حد علوم پایه و حتی بعضی علوم انسانی که تأثیر طولانی‌مدت‌تر و عمیق‌تر بر جامعه دارند، پیش می‌آید. همچنین از لحاظ اجتماعی نیز خطر از بین رفتن حداقل مواردی که از تمدن و جامعه برای هر فرد مورد انتظار بوده، یعنی بقا و فراتر رفتن (به‌معنای توانایی تحقق استعداد) وجود دارد. پس یک نگرانی جدی در این بین این است که چه بر سر ساحت علمی دانشگاه و جایگاه انسان در این مجموعه خواهد آمد؟

یک فرصت دوباره

آموزش و ارزش‌یابی یکسان به دنبال رفع این مسأله در دوره جدید پردیس است.

• دانشجویهای پردیس در دوره قبلی به معنای واقعی کلمه «دیگری» شریفی‌ها بودند. در دوره جدید سیاست دانشگاه این است که دیواری بین دانشجویهای عادی و پردیسی نکشد و همه به‌صورت یکسان در شریف زندگی کنند و درس بخوانند. این کار شاید برخی تبعات فرهنگی و اجتماعی پردیس را نیز ملایم‌تر کند.

• اینکه پذیرش دانشجوی پولی در بلندمدت چه تأثیری

بر شریف و حتی آموزش عالی کشور دارد، مسأله‌ای است که بررسی دقیق‌تر و مفصل‌تری می‌طلبد و بعید است مسئولان آموزش عالی کشور زیاد به آن فکر کرده باشند.

• بهتر است منتظر ماند تا پردیس با آیین‌نامه و ساختار جدید حداقل یک‌ساله مسیرش را برود و بعد دوباره نشست و مورا از ماست آن بیرون کشید. البته شفافیت و نامحرم ندانستن دانشجو موضوع دیگری است که خیلی از بحث‌ها را می‌تواند در جهت درست هدایت کند.

جمع‌بندی

گفت‌وگو با دکتر اجتهادی، رئیس پردیس بین‌الملل تهران

پردیس جدید را ببینید، بعد انتقاد کنید

گفت‌وگو

برای دانشجویایی که در شریف فیزیک نمی‌خوانند یا فیزیک یک و دو را سر کلاسش نگذارنده‌اند، بیشتر از طریق کانال تلگرامی پربازدیدش شناخته شده است؛ جایی که برداشت‌های شخصی‌اش از مسائل مختلف دانشگاه و جامعه را می‌نویسد و بیشتر در جایگاه یک منتقد قرار دارد. حالا همین استاد فیزیک، وسط گود آمده و قرار است به وضعیت پردیس بین‌الملل تهران دانشگاه سروسامانی بدهد و به قول خودش ریلش را به سمت مسیر درست کج کند. با شناختی که از صراحت گفتار و علاقه‌اش به شفافیت داشتیم، بی‌واسطه سراغش رفتیم تا حرف‌ها و نظراتش را درباره وضعیت پردیس و آیین‌نامه و ساختار جدید آن بشنویم. خودش می‌گوید خیلی از انتقادها مربوط به گذشته پردیس است و آیین‌نامه جدید به دنبال رفع آنها و باید فرصت داد تا ساختار جدید خودش را نشان دهد.

هدف دانشگاه از راه‌اندازی پردیس چه بوده؟ فقط بحث درآمذایی و کمبود بودجه مطرح است؟ یعنی در صورت رفع نیاز مالی، دانشگاه باز هم سراغ پردیس می‌رود؟

اگر بخواهم در مورد نظر خودم درباره پردیس صحبت کنم، باید به این نکته اشاره کنم که ساختار کشور ما بعد از انقلاب به سمت عدالت رفت ولی در مواردی عدالت را با مساوات اشتباه گرفت، یعنی خواست همه‌جا را یکسان کند، همه دانشگاه‌ها را مثل هم کند، این تصمیم باعث می‌شود نقاط قوت ضعیف شود، در واقع تلاش شما برای بالا بردن نقاط ضعف در عمل باعث تضعیف نقاط قوت می‌شود. این مسأله در خیلی جاها به تدریج تصحیح شد ولی در دانشگاه‌ها هنوز این ذهنیت وجود دارد که همه دانشگاه‌ها باید مثل هم باشد. حتی در آموزش و پرورش نیز این مسأله از بین رفته و شما الان حق دارید مدرسه مورد نظرتان را انتخاب کنید و البته هزینه آن را نیز باید بپردازید. این در حالی است که قانون اساسی ما گفته آموزش قبل از دانشگاه باید رایگان باشد ولی درباره الزام دانشگاه به ارائه آموزش رایگان سخنی نگفته است. وضعیت کنونی ما اینطور شده که تعداد قابل توجهی از خانواده‌ها که نگران آموزش بچه‌هایشان هستند، از زندگی‌شان می‌زنند تا فرزندشان را به مدارس پولی بفرستند. چرا؟ برای اینکه بعدا در دانشگاه غیرپولی تحصیل کند، در کل دنیا وضعیت برعکس است. مثلاً در کشورهای مثل کانادا و انگلیس دولت به افراد وام می‌دهد تا آنها در دانشگاه درس بخوانند و بعدا با کار کردن پول دولت را برگردانند. در بعضی از کشورها مثل فرانسه و آلمان نیز دولت به آموزش عالی رایگان به عنوان یک سرمایه‌گذاری نگاه می‌کند، چرا که بعدا افراد درصد قابل توجهی از درآمدها را به عنوان مالیات به دولت می‌دهند. در ایران فعلاً دولت از آموزش عالی به صورت مستقیم درآمد کسب نمی‌کند، شاید دانشگاه شرایط جامعه را از نظر فرهنگی، اجتماعی و بازار کار بهبود ببخشد ولی درآمدش به صورت مستقیم برای دولت نیست، به همین علت دولت دانشگاه‌ها را فقیر نگه می‌دارد و حتی امکان رقابت بین دانشگاه‌ها در تأمین بودجه را نیز فراهم نمی‌کند و تفاوت بین دانشگاه‌ها را در اختصاص بودجه در نظر نمی‌گیرد. در واقع ما جایی راه را اشتباه رفته و عدالت را با مساوات خلط کرده‌ایم. چطور می‌توانیم این رویه را تصحیح کنیم؟ به نظر پردیس‌های خودگردان الان این شانس را به دانشگاه‌ها می‌دهند تا امتحان کنند که می‌توانند در مسیر جدید پیش بروند یا خیر؟

نگاه دانشگاه هم همین بود؟ پس چرا پردیس دو سال متوقف شد و دوباره به راه افتاد؟

دانشگاه وقتی پردیس را شروع کرد، به این جزئیات دقت نمی‌کرد و فقط مسأله

مالی داشت ولی خیلی زود بدنه دانشگاه متوجه شدند که این فضای جدید متفاوت از فضای اصلی دانشگاه است و برای کیفیت آموزشی و برند دانشگاه نگران شدند. شورای دانشگاه هم تصمیم گرفت پردیس را متوقف کند. بعد از دو سال دانشگاه تصمیم گرفت با در اختیار داشتن تجربه قبلی و آگاهی از انتقادهایی که به آن وارد بود، دوباره سراغ پردیس برود. برای این منظور یک آیین‌نامه جدید برای پردیس نوشته شد. من هم در تدوین آن دخالت داشتم و حتی همکاری در آن مشارکت کردند که به شدت مخالف و منتقد پردیس قبلی بودند. در پردیس جدید مبلغ شهریه به ازای آموزش در کلاس شریف است. روح آیین‌نامه جدید آموزش یکسان و ارزش‌یابی یکسان است. ساختار پردیس جدید نیز متناسب با آیین‌نامه باید شکل می‌گرفت. آموزش یکسان ممکن نیست مگر اینکه دانشگاه‌ها کنار هم در یک کلاس بنشینند. البته این ترم به دلیل دیر تصویب شدن آیین‌نامه جدید و کمبود وقت کلاس فیزیک را به صورت جداگانه برگزار می‌کنیم ولی آزمون این درس هم به صورت مشترک خواهد بود. اگر دانشجویای پردیس از این مرحله عبور کنند، فرقی با دانشجویای دیگر نخواهند داشت.

دانشگاه نگران اختلاف سطح و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی بین این دو دسته از دانشجویان نیست؟

آمارها نشان می‌دهد که تعداد زیادی از قبولی‌های دانشگاه از مدارس غیرانتفاعی هستند، یعنی هزینه کردن به خاطر تحصیل و آموزش امری پذیرفته‌شده در کشور است. هزینه برخی دانشجویای شریف برای مدارس غیرانتفاعی و کلاس کنکور و... خیلی بیشتر از شهریه‌ای است که الان دانشگاه از دانشجویای پردیس می‌گیرد. پس بین متوسط دانشجویای شریف با دانشجویای پردیس احتمالاً اختلاف طبقاتی و حشتناکی وجود ندارد. اینطور هم نیست که همه دانشجویای پردیس متمول باشند. خیلی از آنها افرادی هستند که حاضرند روی تحصیل‌شان سرمایه‌گذاری کنند، حاضرند وام بگیرند یا کار کنند تا تحصیل را با کیفیت شریف تجربه کنند. پردیس شریف در واقع این شانس را فراهم می‌کند که افرادی که در خودشان توانایی علمی لازم برای حضور در محیط شریف را می‌بینند، بتوانند با پرداخت هزینه این ریسک را بپذیرند و در کلاس‌های شریف بنشینند. البته ممکن است الان اینطور نباشد ولی در حالت پایا به آن می‌رسیم. همین امسال وقتی برخی متقاضیان متوجه آموزش و ارزش‌یابی یکسان شدند، تصمیم به انصراف گرفتند. از حدود ۲۴۰ نفر ظرفیت الان زیر ۱۹۰ نفر دانشجو داریم. اگر ما بتوانیم استانداردهای شریف را حفظ کنیم، خود سیستم فیلتری ایجاد می‌کند

که اختلاف سطح دانشجویا از نظر علمی و آموزشی زیاد نباشد. از نظر مالی نیز متوسط دانشگاه اختلاف چندانی با پردیس ندارد، چرا که متوسط دانشگاه از مدارس خوب تهران می‌آیند. از سوی دیگر همه این بچه‌ها در این کشور بزرگ شده‌اند و دلیلی ندارد از نظر فرهنگی متفاوت باشند. بعضی وقت‌ها این اختلاف‌ها را ما تشدید می‌کنیم. وقتی یک فرد به شهروند در جـه دو در مجموعه تبدیل می‌شود، رفتارهای متفاوتی نیز بروز می‌دهد.

در واقع پردیس یک راه جایگزین برای فردی است که کنکورش خوب نشده ولی در خودش این توانایی را می‌بیند که سر کلاس شریف بنشیند و البته هزینه آن را بپردازد. این مسأله ممکن نیست دانشگاه را کم‌کم به این سمت سوق دهد که نسبت دانشجوی شهریه‌پرداز به دانشجوی عادی را افزایش دهد؟

من فکر می‌کنم اتفاق مهم‌تری که رخ می‌دهد این است که ساختار دولتی متوجه بهای خدماتی که از دانشگاه‌ها می‌گیرد، خواهد شد. در بهترین شرایط درآمد حاصل از دانشجویای پردیس باید خرج کل دانشگاه شود و در قالب بورس‌هایی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی به دانشجویا برسد. اگر بتوانیم این روند را درست کنیم که خیلی خوب است. از سوی دیگر اگر پردیس شریف زنده بماند و نشان دهد که می‌تواند با کیفیت بالا به دانشجوی شهریه‌پرداز آموزش دهد، اشکالات کنکور هم خودبه‌خود مشخص می‌شود، یعنی ممکن است دانشجویایی با رتبه پایین در کنکور وارد پردیس شده و در شریف بدرخشند. همچنین اینکه مشخص شود یک دانشجوی پردیس برای تحصیل در شریف حاضر است تا چه میزان سرمایه‌گذاری کند، سیگنالی است به برنامه‌ریزان کشور تا ارزش واقعی آموزش شریف را متوجه شوند. شکل‌گیری بازار عرضه و تقاضا در کنار دانشگاه می‌تواند ارزش واقعی آن را نشان دهد.

دانشگاه الان با کمبود جدی برخی امکانات آموزشی و پژوهشی و رفاهی مواجه است. پذیرش دانشجوی پردیس در چنین شرایطی این مشکل را تشدید نمی‌کند؟

عاملی که این مشکل را ایجاد کرده، وابستگی دانشگاه به بودجه دولتی است و راه حل آن نیز استقلال نسبی دانشگاه از این بودجه، پردیس نمی‌تواند تمام مشکلات را حل کند ولی شهری به پرداختی از سوی دانشجویای پردیس، حداقل دست دانشگاه را باز می‌گذارد تا درصدی از بودجه پردیس را برای رفع همین مشکلات استفاده کند؛ بودجه‌ای که نسبت به بودجه دولتی اطمینان بیشتری هم دارد و می‌توان برای

آن برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کرد. پس با بودجه پردیس این امکان وجود دارد که دانشگاه امکانات مختلفش را بهبود ببخشد و توسعه دهد. اگر پردیس روی روند درست باشد، این مشکلات هم می‌تواند رفع شود، چرا که در پردیس جنس مطالبه‌گری بازار آزاد سرو کله‌اش پیدا می‌شود. وقتی دانشجوی هزینه می‌دهد، انتظار دارد کلاس و امکانات بهتری داشته باشد و مطالبه‌گری جدی‌تری دارد. اگر استاندارد ما دوگانه نشود و تفاوتی بین دانشجوی عادی و پردیسی قائل نشویم، هر اتفاقی در دانشگاه رخ دهد، برای همه خواهد بود. ما نمی‌خواهیم حتی تیم ورزشی پردیس جدا باشد. هم دانشجویای پردیس رفتاری در شان شریف داشته باشند و همه سایر دانشجویا دیواری بین خودشان و آنها نکنند.

پس بنا به صحبت‌های شما درآمد پردیس از هزینه‌های آن بیشتر است؟ عددی هم در این باره می‌توانید بگویید؟

آیین‌نامه جدید ما را محدود کرده است که هزینه‌های پردیس را با ۳۰ درصد شهریه دریافتی رتق و تفک کنیم. آن ۷۰ درصد هم صرف کل دانشگاه می‌شود، البته پردیس هم جزیی از دانشگاه به حساب می‌آید و از آن ۷۰ درصد بهره‌مند می‌شود، زیرا قرار است همه اعضای یک خانواده باشند و از این درآمد منتفع گردند.

این ۷۰ درصد در دوره قبل بعضاً صرف هزینه‌های جاری مثل حقوق کارمندان می‌شد، چون پول نقدی است که دست دانشگاه رسیده و بودجه‌های دولتی معمولاً با تأخیر و به صورت ناقص محقق می‌شود. در آیین‌نامه جدید مشخص شده که این پول کجا باید خرج شود؟

در آیین‌نامه آمده که این درآمد، هزینه بالابردن کیفیت دانشگاه شود؛ کیفیت آزمایشگاه، خوابگاه، کلاس و...

چرا امسال پردیس فقط در چهار

رشته کامپیوتر، مکانیک، نفت و عمران دانشجوی گرفت؟

این مورد به دلیل تاریخی بود که باید ظرفیت‌ها را به وزارت علوم اعلام می‌کردیم و تا آن تاریخ آیین‌نامه جدید هنوز تدوین نشده بود. بنا به آیین‌نامه جدید هر دانشکده در صورت تمایل می‌تواند تا ۱۵ درصد ظرفیتی که دانشجوی عادی می‌گیرد، دانشجوی پردیس جذب کند، به شرطی که بتواند ثابت کند کیفیت آموزشی دانشجوی پردیس با این اثبات شود، دانشکده تا سقف ۲۵ درصد هم می‌تواند دانشجوی پردیس بگیرد. البته سقف ۱۵ درصد برای کل دانشگاه نیز وجود دارد و تعداد کل دانشجویای پردیس دانشگاه باید ۱۵ درصد ظرفیت عادی باشد. اگر بر اساس آیین‌نامه جدید رفتار می‌کردیم، مثلاً در رشته کامپیوتر باید ۹ دانشجو جذب می‌کردیم نه ۶۱ دانشجو. یک مقدار از انتقادها به رتبه‌های دانشجویای ورودی پردیس نیز به همین علت است. ما باید برای سال بعد این مورد را تصحیح و با تک‌تک دانشکده‌ها صحبت کنیم. در ساختار قبلی چون کلاس‌ها متفاوت بود، ظرفیت هر رشته نمی‌توانست از حدی کمتر باشد ولی در ساختار جدید می‌توان در یک رشته حتی ۲ نفر جذب کرد که در این صورت رتبه‌های بهتری هم در هر رشته جذب می‌شوند.

آیین‌نامه جدید به صورت شفاف برای عموم نیز ارائه می‌شود؟

بله؛ مطلب محرمانه‌ای وجود ندارد. سایت پردیس به دلیل مشغله‌های دیگر هنوز به‌روز نشده است و بعد از به‌روزرسانی سایت آیین‌نامه هم می‌تواند روی آن قرار بگیرد.

رتبه‌های ورودی امسال پردیس چطور بوده است؟

به صورت حدودی اگر بخواهم عرض کنم امسال رتبه‌های سه رقیم کشوری هم داشته‌ایم و از سوی دیگر رتبه‌های پنج رقیم هم وجود داشته‌اند. البته در رشته‌هایی که رتبه‌های ورودی پایین‌تر بوده، انصرافی‌ها نیز بیشتر بوده‌اند.



مسابقات ورزشی دانشگاه از رگ گردن به شما نزدیک تر است

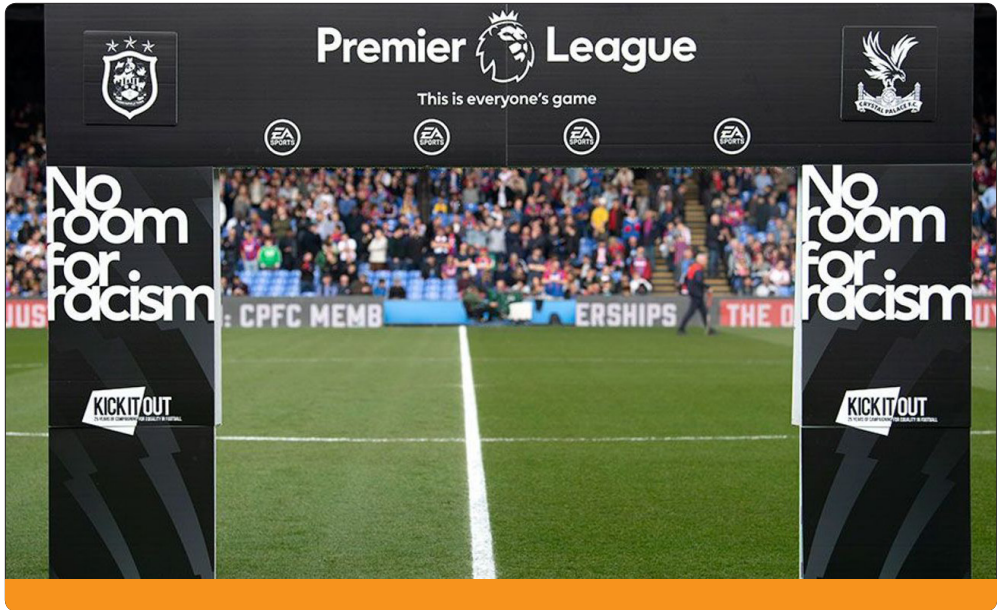
دارد. امسال هم مثل سال های قبل مسابقات در حال شروع است. والیبال هفته آینده شروع خواهد شد و علاقه مندان باید دست بچنابند و جایی برای خود در تیم دانشکده دست وپا کنند. سایر رشته ها مانند فوتسال و بسکتبال و... هم بلافاصله بعد از آن شروع خواهند شد. برنامه مسابقات را نیز از کانال تربیت بدنی به آدرس @sharifsports می توانید پیدا کنید. خوابگاهی ها هم مسابقات فوتبال شان همین حوالی برگزار می شود.

در شریف ما اواسط پاییز را همه به شروع میان ترم ها می شناسند، مخصوصا اگر ورودی باشی و با غولی به نام نمره تازه آشنایی پیدا کرده باشی. اما داستان برای برخی از افراد به نوعی دیگر است. آنها پاییز را نه برای پیاده روی، نه برای باران هایش و نه به امتحاناتش می شناسند. پاییز را با «شروع مسابقات ورزشی دانشکده ای» یاد می کنند. برای اکثر آنها تشویق شدن، پیروزشدن و تلاش کردن اهمیت بیشتری نسبت به زندگی روزمره شریفی شان

خبر کوتاه

نه به سیاست، نه به نژادپرستی؛ فوتبال را برای مردم نگه دارید

فوتبال علیه انسانیت



از سلام نظامی تیم ملی آلمان در بازی مقابل انگلستان در سال ۱۹۳۸ و تبعیض های نژادی در زمان مارتین لوترکینگ، فوتبال هنوز هم به همان معضلات، کم و بیش دچار است. اقدامات شدیدتر از سوی نهادهای نظارتی شاید به کاهش این حجم کمک کند اما نباید فراموش کرد فرهنگ هواداری اولین چیزی است که باید از پایه در دیدگاه عموم اصلاح شود؛ جایی که این باور به وجود بیاید که تنها نژاد موجود در جهان، انسانیت است و همه ما با هم برادر و برابر هستیم و همان طور که مارتین لوترکینگ در سخنرانی اش گفت «هیچ گاه ثابت نمائیم، همواره به پیش حرکت کنیم».

شود ولی اوضاع به همین جا ختم نشد و هفته گذشته هم بازیکنان باشاک شهیر ترکیه در لیگ اروپا پس از گلزنی اقدام مشابهی انجام دادند، فاجعه آنجا شدت می گیرد که سیاست فیفا عملا دوگانه است؛ گرانیت ژاکا و ژردان شقیری، بازیکنانی با اصالت آلبانیایی در جام جهانی گذشته و پس از برد تیم شان مقابل صربستان در واکنش به فاجعه جنگ صربستان با کوزوو و آلبانی دست شان را به شکل عقاب درآوردند تا یاد مردمشان را زنده نگه دارند و فیفا به فاصله چند ساعت بیانیه سنگینی صادر کرد و دو بازیکن را هم با جریمه مواجه نمود.

فوتبال را گرفته که به شدت توی ذوق می زند. در حالی که جوامع بین الملل به شدت نگران وضعیت کردهای شمال سوریه هستند و آمار کشته شدگان بر اثر حملات دولت ترکیه سرسام آور است، بازیکنان تیم ملی ترکیه پس از گلزنی سلام نظامی می دهند و از اقدام کشورشان حمایت می کنند. اقدامی که هیچ واکنشی از سوی فیفا در پی نداشت و باعث شد بازیکنان ترکیه بار دیگر و این بار در قلب فرهنگ و هنر اروپا، فرانسه پس از گل سلام نظامی بدهند و خیالشان راحت باشد که فعلا از سوی فیفا اقدامی نخواهد شد. این بی خیالی فیفا حتی باعث شد هشتک #Wakeupfifa در توییتر ترند

در سالیان اخیر مانع آن نشده اند. در سایر کشورها هم وضع چندان بهتر نیست. در اسپانیا به دنی آلوز موز پرتاب می شود و کمیته انضباطی انگلیس تقریبا هر هفته با چندین مورد توهین نژادی مواجه است. در فوتبال فرانسه وقتی بازیکن جوانی برای اولین بار برای تیمش بازی می کند، به جای آنکه آن بازی برایش خاطره انگیز شود، در کمتر از ۱۰ دقیقه از شدت توهین ها به گریه می افتد و توان ادامه بازی را از دست می دهد. تازه ترین مورد حالا به بلغارستان و سوفیه رسیده است. جایی که داور تا آستانه لغو بازی هم پیش رفت اما با دوبار توقف نهایتا بازی ادامه پیدا کرد. شدت توهین ها به قدری زیاد بود که گرت ساوت گیت در کنفرانس بعد از بازی به شدت به همه چیز تاخت و از یوفا خواستار پیگیری سریع و شدید شد. رئیس جمهور بلغارستان در واکنش به این فاجعه گفت: «ما کشوری هستیم که در زمان جنگ جهانی دوم هزاران نفر را پناه دادیم و نباید کوچک ترین نشانه ای از نژادپرستی را در این کشور شاهد باشیم». رئیس فدراسیون فوتبال بلغارستان استعفا داد، سرمربی تیم که در کنفرانس بازی می گفت توهینی ننشیده است، مجبور به استعفا شد و هرستو استویچکوف، اسطوره فوتبال بلغارستان و بارسلونا در حالی که در برنامه زنده از این حجم اهانت به گریه افتاده بود، خواستار تعلیق فوتبال کشورش از سوی یوفا شد. در مقابل یوفا تنها به بیانیه ای بسنده کرد و در بیانیه اش از این گفت که تمام تلاشش را برای یک فوتبال پاک و عاری از نژادپرستی انجام خواهد داد.

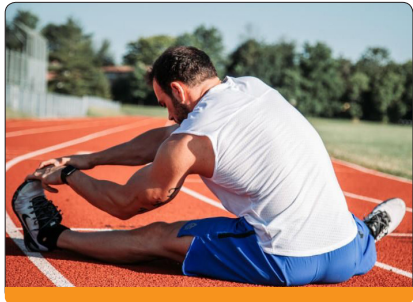
در کنار اینها حالا معضل دیگری هم گریبان

«من رویایی دارم...». در ۲۸ اوت سال ۱۹۶۳ و در حضور بیش از ۲۵۰ هزار نفر، مارتین لوترکینگ سخنرانی ۱۷ دقیقه ای خود را در مبارزه با نژادپرستی با این جمله آغاز کرد. او در طول سخنرانی از آرزوها و آمالی گفت که حق مسلم هر انسانی به شمار می رفت و مشخصه هایی مثل رنگ پوست نباید هیچ تأثیری بر آن داشته باشند و هر بار با گفتن «من رویای این را دارم» تقاضای برابری بین همه انسان ها و همه نژادها می کرد. مارتین لوترکینگ در سال ۱۹۶۸ به قتل رسید و هرگز ندید که در قرن ۲۱ و در اوج پیشرفت بشریت، در جای جای دنیا هنوز هم نژادپرستی و تعصبات کور در مردم جریان دارد و رویای او هنوز هم محقق نشده است.

فوتبال به عنوان یکی از پرطرفدارترین ورزش های دنیا، هنوز هم هفته ای را بدون خبری با تیتیر «نژادپرستی» سپری نمی کند. در قلب اروپا بعد از سال ها مبارزه و حتی مجازات هنوز هم پدیده هولیگانیسم در اکثر تیم ها مشاهده می شود. اوضاع فوتبال ایتالیا اقتضاح است. از عصبانیت کوین پرنس بوآتنگ به دلیل درآوردن صدای میمون هنگامی که او صاحب توپ می شد تا اشک های تلخ ماریو بالوتلی روی نیمکت میلان به دلیل توهین های نژادپرستانه، از خنده تلخ کوین کنستانت مدافع میلان تا فریادهای با بغض مارکو زورو در بازی برابر اینتر؛ همه و همه در شهرهایی که مملو از هنر و ادبیات است نشان می دهد مسأله ای بنیادی تر پشت این جهالت وجود دارد، که نه هنر و نه مجازات،

باورهای غلط

گرم و سرد کردن را دریاب؛ حتی شما ورزشکار خفن عزیز!



عضلات وارد نکنید و همچنین همواره زیاد نفس بکشید، زیرا در صورت کمبود اکسیژن اسید لاکتیک که منجر به گرفتگی و خستگی تان می شود، زیاد ترشح می گردد.

زیادی دارند، رگ ها کاملا بازند و تپش قلب تان زیاد است. در سنین بالا سرد نکردن می تواند منجر به ایست قلبی شود ولی در سنین جوانی، عوارض دیگری مثل افزایش اسید لاکتیک و همچنین کاهش میزان کشیدگی عضلات ملموس ترند.

نحوه درست سرد کردن: هرگز فعالیت ورزشی خود را یکباره متوقف نکنید. سعی کنید به صورت تدریجی به حالت توقف برسید. بعد از توقف بلافاصله حرکات کششی را شروع کنید، زیرا این زمان بهترین موقع افزایش انعطاف بدن است. زمان کشش عضلات کمی باید طولانی تر از گرم کردن باشد و کشش هر عضله باید ۱۰ الی ۳۰ ثانیه به طول بیانجامد. فشار زیادی روی

و هم به افزایش قدرت آنها می انجامد. **نحوه گرم کردن درست:** مرحله اول گرم کردن، حرکات کششی است. تک تک مفاصل و ماهیچه های درگیر در ورزش مورد نظر را با حرکات کششی گرم کنید. سعی کنید حرکات کششی خود را حداقل ۱۰ ثانیه ادامه دهید. مخصوصا عضلاتی که درد می گیرند، احتیاج به کشش بیشتر دارند. مرحله بعدی، افزایش دمای بدن است. در این مرحله ۵ تا ۱۰ دقیقه حرکت ورزشی مورد نظر را با سرعت آهسته و به صورت تمرینی انجام دهید.

سرد کردن به اندازه گرم کردن اهمیت دارد

هنگامی که ورزش تان تمام می شود، عضلات حرارت

یک باور بسیار رایج و نادرست بین ورزشکاران، مخصوصا ورزشکاران جوان این است که «من احتیاجی به گرم کردن و سرد کردن ندارم». این یک باور نادرست است و همه افراد با هر سطح ورزش و هر مقدار ورزش احتیاج به آن دارند. باور رایجی وجود دارد که گرم کردن قبل ورزش صرفا به منظور جلوگیری از آسیب دیدگی باید انجام شود و بنابراین افرادی که روزانه ورزش می کنند، احتیاجی به آن ندارند. این در صورتی است که گرم کردن، علاوه بر کاهش احتمال آسیب دیدگی باعث افزایش دمای عضلات و افزایش قطر رگ های شود. این تغییرات منجر به بهبود خون رسانی به عضلات شده و در نتیجه این فعالیت هم به افزایش دامنه حرکتی عضلات

از هر دری سخنی



Fatemeh Bagheri

برای ثبت نام در طرح #شهید_احمدی_روشن که توسط #بنیاد_ملی_نخبگان اجرا میشه باید معدل بالای ۱۷ داشته باشید. جالب اینجاست که خود شهید احمدی روشن با معدل ۱۵ از شریف فارغ التحصیل شد:



محمدصادق محمدیان

حذف مدارس سمپاد و نمونه با مصوبه مجلس!

تنها چندروز پس از مطالبه نخبگان در دیدار بارهبری مبنی بر ابلاغ مصوبه ش.ع انقلاب فرهنگی و یک روز پس از ابلاغ اساسنامه سمپاد توسط رئیس جمهور بزودی در ج.ا:

بازتولید مستمر طبقه ثروتمند در نهادهای اقتصادی و سیاسی جامعه



Seyed Hassan Hosseini

دوستانی جویای حال بودند. شکر خدا. در حال ریکاوری ترک؛ مصرف تلگرام به صفر رسیده، واتس اپ تقریبا یک وعده بعد شام، اینستا در رژیم مصرف فعلا اوکی، در مورد توییت، رفقای جوان و همکارانی توصیه اکید به روزه داری کردند. در کل چله نشینی پاکسازی مجازی کار میکنه و موفقه شکر خدا. شما هم میتونین

جلد فرهنگی

هفته گذشته اگر تعطیلات و بین‌التعطلین‌ها را به هم نچسبانده و دانشگاه آمده باشید، احتمالا چشم‌تان به جلد روزنامه شماره ۸۲۸ خورده است. روی جلد این شماره دکتر نورانی استاد دانشکده مکانیک حضور داشت که به تازگی به عنوان مدیر فرهنگی دانشگاه منصوب شده است. در توییت‌ر از شما نظرات‌تان را در رابطه با این جلد جویا شدیم و در این شماره سراغ این نظرات رفتیم.



روزنامه شریف

دکتر نورانی، استاد دانشکده مکانیک و مدیر جدید فرهنگی دانشگاه این هفته قبول کردن که سوژه جلد روزنامه بشن. این جلد بازخوردهای مختلفی داشت؛ بعضی خیلی از این حرکت استقبال کردن و برخی هم گفتن که پرستیژ استادی دکتر حفظ نشده. نظر شما چیه؟

نظرتون درباره جلد روزنامه رو همین جا بگید.



Ali madani

نمیدونم چرا این عکسو که دیدم یاد «مسعود شصتچی» توی مرد هزار چهره افتادم! امیدوارم دکتر آخرش نگه: «من از اولش هم اشتباهی بودم!»



Mortezaa Kiani

با این طرح جلد شأن و شخصیت و فهم دکتر نورانی چندین سطح در نظر حقیر ارتقا پیدا کرد. البته که تصور من از ایشون هیچ اهمیتی نداره ولی خواستم بگم با این کارا اساتید نه تنها شانشون پایین نیاد که بالا هم میره



Mohammad Saleh Ansari

نکنه جالب‌تر اینه که این عکس جمعه گرفته شده. یعنی بزرگوار جمعه دانشگاه بوده و حاضر شده اینقدر وقت و حوصله بذاره برای عکس. با بچه‌ها هم که صحبت کردم حرفشان یک چیز بود: «خیلی آدم باحالیه». باحال باشید تا دنیا قشنگ بشه.



Hosein Ghoreishi

جالبه. شان استاد به علم و مخصوصا ارتباطات صمیمی و همکارانه‌ش با دانشجویها وسایر اساتیده.

«خانه پدری» توقیف شد

خانه پدری فیلمی است از کیانوش عیاری که سال ۱۳۸۹ ساخته شده. این فیلم سابقه طولانی در توقیف دارد. اولین بار سال ۱۳۹۳ اکران شد ولی در کمتر از یک روز از سینماها جمع و توقیف شد. همچنین فیلم در یک دوره جشنواره فجر اکران شد ولی بعد از جشنواره هم دوباره اجازه اکران نیافت تا ۱ آبان ۹۸ یعنی هفته گذشته. این بار هم فقط ۵ روز اکران شد و با دستور دادستانی مجددا حکم توقیف گرفت تا رکورد «دو بار توقیف شدن» را برای خود ثبت کند!



سیدامیر

فیلم‌هایی که سالیان سال #توقیف بودن، اکران میشن و آب از آب تگون نمیخوره یکی نیست یقه‌ی اون ممیز و سانسور چی رو بگیره بگه چرا این همه سال الکی جلوی این فیلمو گرفته بودین؟



مجتبی

خلاصه، فیلمسازهای دغدغه‌مند زیر بار توقیف و سانسور له می‌شوند؛ می‌مانند فیلم‌های طنز مبتذل، فیلم‌هایی با روایت دلخواه حاکمیت و یک سری فیلم سطحی دیگر که پرفروش شوند؛ آن وقت مشکل از «ما ایرانیان» و افت سلیقه‌مان است که سطح سینما این است؟! ریشه‌ای سیاسی‌تر از این؟



la vie en khashy

من اگه جای کیانوش عیاری بودم مثل داریوش مهرجویی برای «علی سنتوری» خودم میرفتم فیلم رو میدادم ب این سی‌دی فروشا ک پخشش کنن. کاملاً بدون سانسور.



ژان باتیست

خوندن بعضی از نظرات در مورد «خانه پدری» واقعا آزاردهنده است، قشنگ معلومه طرف حتی فیلم رو ندیده و داره قضاوتش میکنه



Nima

فیلم #خانه_پدری از معدود فیلم‌های سینما بود که برای دیدنش اشتیاق داشتیم. هر روز بیشتر اندک خوشی‌های زندگیمون تو این کشور رو میگیرن.

عملیات قهرمانانه یا داستانی تکراری

هفته گذشته ابتدا ترامپ در توییت‌رش گفت اتفاق مهمی رخ داده و در ادامه یکی از مقامات نظامی آمریکا و همچنین خود ترامپ اعلام کردند سیا محل اختفای ابوبکر البغدادی رهبر داعش را یافته و نیروهای آمریکایی در یک عملیات نظامی او را محاصره کرده‌اند و او خود را با جلیقه انتحاری منفجر کرده است. نکته دیگری که مورد توجه کاربران قرار گرفته بود نحوه اعلام این خبر از زبان ترامپ و مقایسه‌اش با اعلام خبر کشته‌شدن بن‌لادن از طرف او باما بود.



TheRealSamuel

امروزو هم با خبر کشته‌شدن ابوبکر البغدادی بیدار می‌شیم. بزرگوار سه ماه بود که کشته نشده بود. داشتیم نگرانش می‌شدیم.



محمد صالح سلطانی

سرکرده‌ی #داعش آن روزی هلاک شد که سردار عزیز ما، حکومت خودخوانده‌اش را برای همیشه به گورستان تاریخ فرستاد. از آن به بعد، مُرده و زنده‌ی #ابوبکر_البغدادی برای مردم دنیا تفاوتی نداشت که حالا بخواهند برای کُشته‌ی جسم این تروریست، هورا بکشند.



علی پرویزی

ملاعمر (رهبر طالبان)، سرهنگ قذافی (دیکتاتور لیبی)، بن لادن (رهبر القاعده) و حالا هم #ابوبکر_البغدادی همگی به «مسخره‌ترین» شیوه ممکن و بدون بازجویی و محاکمه کشته شدند...

داستان چیه دقیقا؟ اگه زنده می‌موندن قرار بوده کی رو لو بدن؟



Shayan

اینکه آمریکا رهبر #داعش رو کشته منو یاد بازی مافیا میندازه که وقتی به مافیا لو میره مافیاهای دیگه میان میکشش که بگن آره ما مافیا نیستیم



هوساقي

#خبر_فوری ابوبکر بغدادی در حال حاضر جهنم نیست.

مردمان شریف

زندگی در ارتفاع

۸۰ موفق شدیم و بالاخره در زمستون صعود کردیم که این صعود تا ۲ سال پیش فنی‌ترین صعود کشور به حساب می‌اومد؛ صعودی که با دانشجو‌ها و فارغ‌التحصیلاي شریف انجام شد. سال ۸۶ مساحت دیواره سنگ‌نوردی دانشگاه رو به ۱۶۰ متر مربع گسترش دادیم و تو سال ۹۶ هم نسل جدید دیواره‌ها رو به شریف آوردیم. من ۲۰ سال در کارخونه‌ها و شرکت‌های مختلف کار می‌کردم. بعد ۲۰ سال این کار رو کنار گذاشتم و از اون به بعد کار من به‌صورت حرفه‌ای، کار در ارتفاع، سنگ‌نوردی و کوه‌نوردی شد. از مهم‌ترین پروژه‌هایی که در رابطه با ایمنی جاده انجام دادیم، پروژه‌ای در جاده هراز بود به نام پیچ شیطان. سال‌ها نفرات زیادی به خاطر ریزش سنگ در این جاده تلف می‌شدن. به خاطر ریزش سنگ کارگرها نمی‌تونستن اونجا کار کنن. ما با استفاده از فکر و تجربه بچه‌های شریف تونستیم سیستمی رو طراحی کنیم که سنگ‌های لغزان را اول بریزه و جاده رو ایمن‌سازی کنه تا کارگرها بتونن کار رو پیش ببرن. از دیگرو پروژه‌های ایمن‌سازی که

کوه‌نوردی رو به‌صورت حرفه‌ای از دبیرستان البرز شروع کردم. سال ۶۷ متالورژی شریف قبول شدم و کوه‌نوردی رو در دانشگاه ادامه دادم. دو سال بعد، گروه کوه‌نوردی تربیت‌بدنی شریف رو به همراه چند نفر از دوستانم تشکیل دادیم و اکثر قله‌های معروف رو فتح کردیم. تو سال ۷۸ بود که دیواره سنگ‌نوردی دانشگاه رو با مساحت خیلی کم (۳۶ متر مربع) احداث کردیم. بچه‌ها در فصل‌های سرد داخل سالن تمرین می‌کردن و توفصل‌های گرم هم تمرینات شون رو توفضای باز و طبیعت انجام می‌دادن. خروجی این تمرینات سنگ‌نوردی منجر به صعود علم‌کوه شد. هر سال تابستون به‌صورت اردویی و به‌مدت یک هفته قله‌های معروف و یخچال‌ها و دیواره‌هاش رو صعود می‌کردیم. بعدها تصمیم گرفتیم صعود زمستانه دیواره علم‌کوه رو انجام بدیم. سال ۷۹ رفتیم به سمت صعود زمستانه دیواره که از لحاظ فنی تقریبا اولین بار بود که در کشور صورت می‌گرفت. اون سال به خاطر کم‌تجربگی موفق نشدیم. سال

میرم
اشتهاردی



طرشت را بیروت می‌کنیم

مطب
دکتر انوچ

دکتر انوچ*

دلیل تعطیل بودن مطب در دو هفته گذشته این است که قرار بود بخشی از تعطیلات هفته گذشته را به ترکیه بروم تا به محرومین استانبول و آنتالیا مشاوره تحصیلی، اپلای به ایران، کسب و کار، ازدواج و... بدهم ولی یکی از دوستان لبنانی ام تماس گرفت و گفت: «بیا اینجا ببین چه خبره! اینجا بیشتر به درد می‌خوری»؛ راست هم می‌گفت، رفتم دیدم چه خبر است و واقعا هم من بیشتر به درد خوردم هم لبنان بیشتر به دردم خورد. دوستان به بنده گفتند درباره انتگرال بنویس ولی ترجیح دادم تجربیاتم را در اعتراضات لبنان در اختیار معترضین جنبش #هشت_و_نیم بگذارم.

متأسفانه ما ایرانی‌ها آن قدر از مذاکره ضربه خورده‌ایم که فکر می‌کنیم تنها راه باقی‌مانده خشونت است که می‌توان با آن به مصاف ظلم رفت و حق را گرفت در حالی که من در لبنان دیدم که آهنگ خوب و رفیق پایه هم صدایش بلندتر است هم بیشتر خوش می‌گذرد! پس شما هم اگر اعتراضی دارید به جای آنکه در توییت‌ها هشتگ بزنید، اسپیکرهای خود را به صحنه بیاورید و در حیاط خوابگاه ریمیکس شش و هشت «یار دبستانی» را بگذارید و از اعتراض کردن لذت ببرید.

مرگ را بخواهید تا تب را بگیرید! یعنی در تجمع خود استعفای رئیس‌جمهور را بخواهید تا راضی شوند وزیر علوم را برکنار کنند. در جنبش هشت و نیم هم یک خواسته ایدایی بزرگ مطرح کنید. مثلا خواستار برگزاری مسابقات PES مختلط بین خوابگاهی در ساعات ۳۰:۲۰ تا ۶ صبح شوید تا دانشگاه با برگزاری آن مخالفت کند ولی راضی شود تردد را در آن ساعات آزاد کند.

ورودی‌ها نگران انتگرال نباشند. تمام تشک‌ها و گروه‌های علمی و فرهنگی جز جامعه اسلامی هماهنگ شده‌اند و کلاس‌های صحرایی انتگرال برپا می‌کنند. دکتر عیشاهی و دکتر حاجی میرصادقی هم گفتند به معترضین خواهند پیوست و در خلال اعتراضات به دانشجویان خواهند گفت سطح زیر نمودار را چگونه حساب کنند.

فقط لطفا حتما هیئت هر خوابگاه درخواست را در پرتال ثبت کند و حواس‌تان باشد که هر خوابگاه در خودش تجمع کند؛ تجمع مختلط ممنوع! خلاصه که بهانه‌ای دست رسانه‌های فرصت‌طلب داخلی و خارجی ندهید. نگذارید مسیر اعتراضات منحرف شود. حراست و انتظامات دانشگاه و خوابگاه مسئولیت برقراری نظم و امنیت تجمع شاد شما را بر عهده خواهند گرفت.

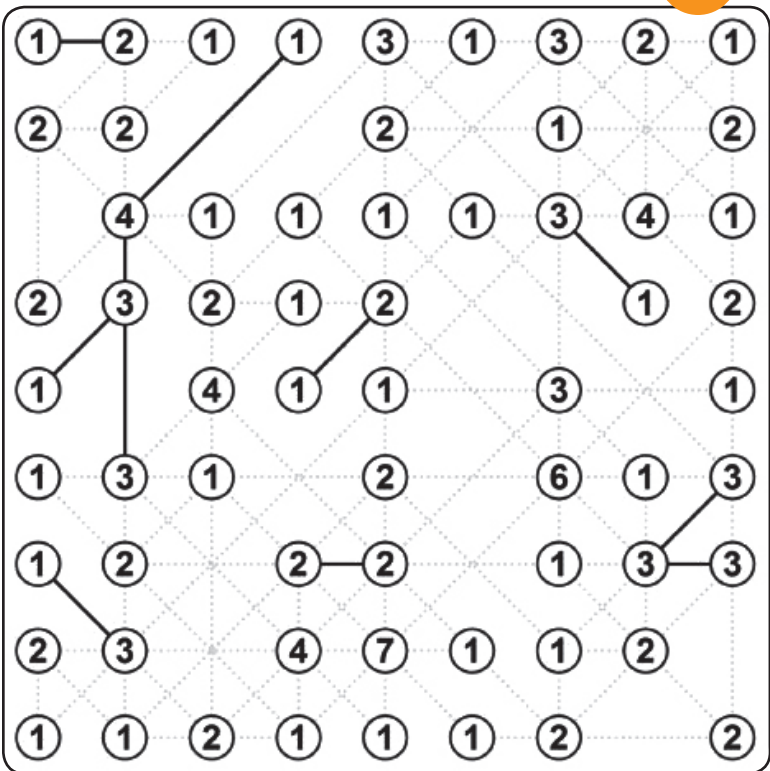
*محمدا صالح انصاری

تقدیم می‌شود به ...

این شماره از روزنامه تقدیم می‌شود به شهروندانی که در یک جامعه درجه اول حساب نمی‌شوند، به همه آنهایی که بر چسب دیگری خورده‌اند و همیشه به آن طرف دیوار هل داده شده‌اند، به آنهایی که همیشه خود واقعی‌شان را ندیده‌ایم و حرف‌شان را از زبان خودشان نشنیده‌ایم و با تصورات ذهنی مان قضاوت‌شان کرده‌ایم و حکم داده‌ایم. این

شماره از روزنامه تقدیم می‌شود به دانشجویهای پردیس خودگردان تهران که در ذهن ما با ماشین‌های مدل بالای کوچه استخر به یاد آورده می‌شوند، به دانشجویهای پردیسی که از زمین تا آسمان متفاوتند با آن چیزی که فکر می‌کنیم، به دانشجویهای پردیسی که قرار است جزئی از خانواده شریف باشند و قدر شریف را خیلی خوب می‌دانند.

پیچک
(۱۲)



- قوانین این بازی ساده است. شما باید همه جزیره (دایره)ها را با استفاده از پل (خط)هایی که بین آنها رسم می‌کنید، به هم متصل نمایید. البته پل‌ها باید شرایط زیر را داشته باشند:
- پل‌ها نباید یکدیگر را قطع کنند.
 - پل‌ها می‌توانند عمودی، افقی و یا ۴۵ درجه باشند.
 - حداکثر یک پل می‌تواند دو جزیره را به هم متصل کند.
 - تعداد پل‌هایی که به هر جزیره وصل می‌شود باید با شماره آن جزیره برابر باشد.
 - اتصال جزیره‌ها از طریق پل‌ها باید یک گراف همبند تشکیل دهد.
 - چند پل در شکل اولیه داده شده‌اند. شما باید بقیه پل‌ها را پیدا کنید.

وصله پینه

تجمع بزرگ آشغال‌ها جلوی دفتر ریاست

را حل کنند اما فاصله کارد تا استخوان به میلی‌متر رسیده است. مقدار زیادی کاغذ در دانشگاه، در اتاق استادان و اتاق‌های خوابگاه جمع شده است که بچه‌های باوان به دلیل نداشتن انبار از تحویل گرفتن آن عاجزند. حتی تصاویر Google Earth نیز این مهم را تأیید می‌کند. آشغال‌های بلا تکلیف در توییت‌ها جمع شده‌اند و با طوفان توییت‌تری و هشتگ #انبارمون_رو_پس_دیدید و how_dare_you# مدیریت دانشگاه را تهدید به تجمع برابر دفتر ریاست تهدید کرده‌اند. با اینکه دانشگاه برای حمایت از گروه باوان مصمم است ولی برای جلوگیری از ورود و دخالت مجامع بین‌المللی، به نظر می‌رسد مدیران دانشگاه باید در سر و سامان دادن به آن عجله کنند.

طی تماسی که با مسئولان باوان داشتیم متوجه شدیم آنها بی‌مکان و آواره شده‌اند. یحیائیان، دبیر باوان به روزنامه گفت: «پروژه احداث دانشکده هوافضا به جریان افتاده است و انبار باوان باید تبدیل به اتاقک نگهبانی کارگاه شود». هم‌اکنون نزدیک به ۲۰۰ کیلوگرم کاغذ و کتاب ارزشمند بی‌خانمان شده‌اند و سرنوشتشان مشخص نیست. دکتر رجبی، مدیر امور ساختمان و تأسیسات هم در جمع خبرنگاران گفت: «به خدا قسم دلمون با باوانه. جا نداریم بدبختی! ولی من هر جور شده به جای خوب براشون ردیف می‌کنم.» دکتر حسینی، مدیر امور پشتیبانی دانشگاه هم در مجمع جهانی پشتیبانی، نسبت به وضعیت باوان واکنش نشان داد و ابراز نگرانی کرد.

مسئولان دانشگاه به نظر مصمم می‌رسند تا مشکل باوان

از وقتی پویش «شریف‌آشغال» در دانشگاه پا گرفت و همه دانشجویان، کارمندان و استادان به فعالان محیط‌زیستی پیوستند، دانشگاه شریف در آخرین رتبه‌بندی سرویس محیط‌زیست نشریه «داد»، در رتبه نخست منطقه نوآوری شریف قرار گرفت. رتبه دوم با فاصله‌ای معنادار در اختیار «طوط» (طرشت اونیورسیته آف تلکنولوژی) و رتبه سوم در اختیار «لطط» (لبنیاتی طرشت آف تلکنولوژی) است ولی شرایط به این صورت باقی نخواهد ماند. مرکز آمار ضایعات کشور اعلام کرده است در ماه گذشته آمار کاغذ تحویل داده شده از «باوان» (شریف‌آشغال سابق) به صفر رسیده است در حالی که آمار زباله تفکیک‌شده تحویلی از دورقیب دیگر رشد کرده است. کنجکاوشدیم که دلیل این افت عملکرد را دریابیم.

پیامک

۰۹۳۸۰۰۰۰۰۱۹۲: از دکتر حسینی هم همچین عکس جلدی در بیارید به‌شخصه میام کل بچه‌هایی ر از دکتر حسینی هم همچین عکس جلدی در بیارید به‌شخصه میام کل بچه‌هایی ر
روزنامه بابا حدائق بگو کل بچه‌های روزنامه ر چی که بفهمیم اون موقع که میای باشیم یا نه!
۰۹۳۰۰۰۰۰۰۰۶۳۷: چرا نباید به فکر خوابگاه میبودید؟!*

شماره پیامک روزنامه: ۱۰۰۰۶۶۱۶۶۰۰۶

چهاردیواری دنیوی، قصرهای اخروی رو تحت تأثیر قرار می‌دیم. این شد که بی‌خیال ماجرا شدیم کلا!
۰۹۱۲۰۰۰۰۰۰۰۹۱: چرا طراحای گرافیک پوسترهای که قول میدن بزمن رو به‌موقع تحویل نمیدن؟ چه وضعیتیته آخه؟

روزنامه بی‌کفایتی. اگر این نبود، فساد نزدیکان. اگر این هم نبود دیگه توطئه زنان دربار!

قرار نیست که اسم «برتر بودن دانشگاه شریف» رو فقط بدک بکشیم؟! نباید از هر لحاظ برتر باشه؟! و مخصوصا مسائل رفاهی؟! این خیلی غیرمنطقیه که انتظار داشته باشیم «دانشگاه شریف» برا دانشجویهاش حداقل به چهاردیواری جور کنه؟!*

روزنامه ما در دانشگاه خانه آخرت رو در اولویت قرار دادیم. بعدش به این نتیجه رسیدیم که با تأمین